

ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی در فضاهای روستایی کوهستانی در غرب ایران

مطالعه موردی: روستای ورکانه و روستای شهرستان

امین رستنده* - کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۳/۲۷ تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۹/۶

چکیده

پژوهش حاضر با تأکید بر ملاحظات محلی، به بررسی و کنکاش مهم‌ترین ویژگی‌های بنیادین «منظر فرهنگی» در مناطق روستایی غرب ایران می‌پردازد و روابط بین عناصر کالبدی منظر و عوامل فرهنگی مؤثر بر فضاهای روستایی را در قالب مبحث «منظر فرهنگی روستایی» بررسی می‌کند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که فرهنگ ساکنان روستایی در طول زمان سبب شکل‌گیری نوع خاصی از منظر در هر منطقه از کوهستان زاگرس می‌گردد، که در این مقاله از آن با عنوان منظر فرهنگ یاد می‌شود. در حقیقت می‌توان چنین بیان داشت که «بستر طبیعی زمین» تحت تأثیر «ملاحظات فرهنگی»، دستخوش تغییراتی می‌شود و این تغییرات به نوبه خود سبب بروز و ظهور «ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی» در روستاهای منطقه زاگرس می‌گردند. در پژوهش حاضر، نویسنده روش تحلیلی - توصیفی را به عنوان روش علمی این پژوهش برگزیده است. در بخش اول این مقاله، نگارنده با انجام مطالعات کتابخانه‌ای چارچوب نظری پژوهش را تدوین کرده است؛ و در بخش دوم با استفاده از نقشه‌های هوایی و تصاویر ماهواره‌ای و همچنین با حضور در دو روستای مورد بررسی، با استفاده از روش مشاهده مستقیم به ارزیابی میزان تأثیرپذیری منظر روستایی از فرهنگ ساکنان و روند شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستای ورکانه و شهرستان در استان همدان در امتداد رشته کوه زاگرس پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: منظر فرهنگی، سکونتگاه روستایی، فرهنگ، بستر طبیعی، زاگرس، همدان.

مقدمه

بازشناخت ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد منظر روستایی در محدوده جغرافیایی زاگرس امری خطیر و ضروری و در عین حال گسترده است. تنوع انواع سکونتگاه‌های روستایی در این منطقه وسیع پژوهشگر را بر آن می‌دارد تا با تمرکز بر گونه‌ای خاص از سکونتگاه‌های روستایی زاگرس، مهم‌ترین ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی را در این منطقه مورد بازشناسی و بازخوانی قرار دهد.

در این مقاله سعی بر آن است تا با تمرکز و مطالعه بر روی منظر فرهنگی در دو روستای کوهپایه‌ای ورکانه و

شهرستانه در استان همدان، الگویی از منظر فرهنگی در فضاهای روستایی این دو سکونتگاه ارائه شود و مفاهیم تعیین‌کننده و عمده و نیز ویژگی‌های منحصربه‌فرد و تعمیم‌پذیر در این دو مورد مطالعاتی بازشناسی گردد. از یک‌سو، فقدان مستندات پژوهشی در این زمینه، از مهم‌ترین انگیزه‌های پژوهشی نگارنده است و از سوی دیگر، تخریب منظر فرهنگی روستاهای ایران بر اثر ورود بدون اندیشه فناوری (تکنولوژی) به سکونتگاه‌های روستاهایی در زمره مهم‌ترین تهدیداتی است که امروزه اکثر قریب به اتفاق روستاهای کشور را تهدید می‌کند. مدرنیزاسیون و ایجاد تحولات اساسی در شکل زندگی مردم در مناطق شهری و به تبع آن در مناطق روستایی در منطقه زاگرس، که خود تابعی از تغییراتی گسترده در سطوح ملی و فراملی است، از آفت‌هایی است که همواره به منظر فرهنگی روستاهای این منطقه از کشور به شدت لطمه وارد ساخته است و می‌سازد. بدین سبب، تلاش برای بازشناسی ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی در این مناطق گامی مؤثر در حفظ و حراست و احیای این مناظر به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و انسانی و طبیعی کشور محسوب می‌شود.

مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. تحلیل‌های این مقاله براساس سه منبع اصلی صورت گرفته‌اند:

۱. نقشه‌های هوایی ۱:۵۰۰۰۰ و تصاویر ماهواره‌ای موجود در سازمان نقشه‌برداری کشور؛

۲. پژوهش میدانی و مشاهده مستقیم در محل؛ و

۳. استفاده از منابع نظری لاتین و فارسی موجود در کتابخانه‌های دانشگاهی و سازمان‌های ذی‌ربط.

از آنجا که مبحث «منظر فرهنگی» به عنوان علمی نسبتاً نوپا، دارای ریشه‌های عمیق‌تری در کشورهای توسعه‌یافته است، لذا در این پژوهش با استفاده از منابع لاتین، ابتدا مبانی نظری و تعاریف مختلفی از مفهوم «منظر فرهنگی» به صورت اجمالی مورد بازخوانی قرار گرفته است. پس از آن، با استناد به نقشه‌ها، تصاویر و کتب و مقالات مرتبط و همچنین با استفاده از مشاهده مستقیم در محل، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستاهای ایران در منطقه زاگرس با تأکید بر دو روستای ورکانه و شهرستانه، شناسایی گشته است.

تبیین مفهوم منظر فرهنگی

به‌طور کلی در این مقاله اصطلاح «منظر فرهنگی» معادل «منظر متأثر از فرهنگ بومی» است. به‌منظور آشنایی و معرفی ارتباط بین منظر و فرهنگ و نقش کیفی انسان در متأثر ساختن منظر پیرامون خویش، در ادامه به صورت مختصر به توصیف ارتباط بین منظر و فرهنگ انسانی یا همان «منظر فرهنگی» پرداخته می‌شود.

به اعتقاد اسپیرن، جغرافی‌دان بازنشسته دانشگاه ویسکانسین، قدرت خواندن و بیان کردن و طراحی منظر یکی از بزرگ‌ترین استعداد‌های بشر در طول تاریخ بوده است. همین توانایی بود که انسان‌ها را قادر می‌ساخت در جلگه‌های گرم یا خنک، در جنگل‌های سایه‌دار و حتی در مناطق کاملاً سردسیر سکنی گزینند. لیکن امروزه حیات انسان راه، توانایی وی

در تغییر شکل دادن به منظر، ورای ظرفیت‌پذیری آن، تهدید می‌کند (اسپیرن، ۱۳۸۴، ۳۳). با استفاده از ابزار منظر، به عنوان ابزاری کارآمد و توانمند، انسان قادر است تمام آنچه را که در پیرامون محیط زیست اوست، معنا کند. انسان علاوه بر این توانایی، قادر است با فرهنگ خود بر عناصر کالبدی منظر تأثیر بگذارد. اِکبو بیان می‌دارد که عواملی همچون الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت‌های انسانی - و در یک کلام، فرهنگ - اهمیت و قدرت تأثیرگذاری بر منظر را دارند (Eckbo, 1969, 3). وجود چنین بینشی در باب منظر و ارتباط آن با فرهنگ، اهمیت توجه و پرداخت به موضوع مهمی چون منظر فرهنگی را بیش از پیش هویدا می‌سازد و چنین می‌نمایاند که بازشناسی منظر فرهنگی در حقیقت در زمره حوزه علوم انسانی است.

از سوی دیگر، انسان همیشه دارای زبان منظر بوده و این زبان را دیگر افراد نیز همواره شناخته‌اند. ولی امروزه انسان زبان منظر را به‌صورت ناقص به کار می‌برد و بخش اعظم آن را هم به فراموشی سپرده است. اکثر مردم منظر را به‌صورت سطحی و محدود رؤیت می‌کنند (اسپیرن، ۱۳۸۴، ۲۹، ۳۰). با توجه به این تفاسیر، شناخت نوع ارتباط بین «منظر» و «فرهنگ» در سکونتگاه‌های روستایی گامی مؤثر در شناخت ماهیت «منظر متأثر از فرهنگ» یا «منظر فرهنگی» و به تبع آن شناخت جامع از محیط بزرگی به نام جهان هستی است که انسان معاصر، همچون موجودی سرگشته و خسته از جنگ، تهدید و تجاوز در آن می‌زید.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستاهای ایران

به‌طور کلی عوامل تأثیرگذار فراوانی در دو مقیاس خرد و کلان در شکل‌گیری منظر فرهنگی روستاها در ایران دخیل بوده‌اند (به‌طور مثال، ن.ک. قادری، ۱۳۸۳؛ ازکیا، ۱۳۸۴؛ وثوقی، ۱۳۸۴؛ وثوقی، ۱۳۸۶). این عوامل به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌وجود آورندهٔ مناظری در سراسر سیمای سرزمین هستند که ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ ساکنان این سکونتگاه‌ها دارند. در این نوشتار از این مناظر وابسته به فرهنگ و متأثر از آن، با عنوان «منظر فرهنگی» یاد می‌شود. منظر فرهنگی براساس مدل شکل‌گیری جوامع و سنت‌ها، آداب و رسوم و شیوه زندگی مردم هر ناحیه، به‌شکل ممتاز و خاص همان منطقه بروز و ظهور یافته و به‌نحوی تفکیک‌ناشدنی با زندگی مردم عجین گشته است.

در جمع‌بندی کلی می‌توان بیان داشت که عوامل مهمی چون آب، امنیت، نوع بهره‌برداری از زمین، مدل‌های تأمین معیشت و اقلیم در ایجاد و تنوع سکونتگاه‌های روستایی - و به تبع آن، شکل‌گیری منظر فرهنگی - مؤثرند ولی در ایران در غالب موارد می‌توان کم‌آبی و نبود امنیت را به‌عنوان عوامل اصلی برشمرد و دیگر عوامل را تابعی از آنها تلقی کرد (وثوقی، ۱۳۸۴، ۸۳). به‌طور کلی از دیدگاه ریخت‌شناسی روستایی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تنوع منظر فرهنگی در روستاهای ایران عبارت‌اند از: (۱) امنیت و میزان دسترسی به آب، (۲) نوع بهره‌برداری و نظام نسق‌بندی، و (۳) نوع معیشت و اقلیم (حجت، ۱۳۸۶؛ وثوقی، ۱۳۸۴، ۸۶-۸۳).

فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی

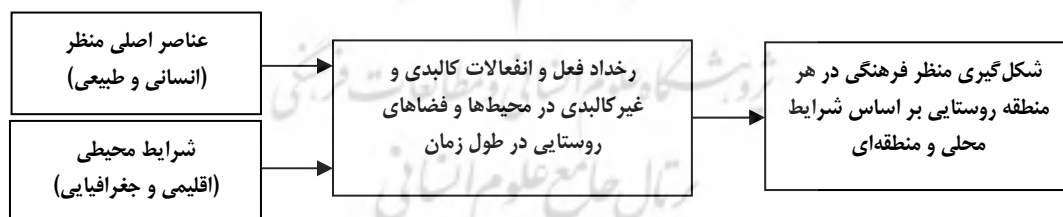
تا قبل از انقلاب فکری و فرهنگی رنسانس، مردم زندگی‌شان را در اجتماعات کوچک می‌گذراندند و رابطه‌ای کل‌نگرانه و

معنوی با طبیعت داشتند. هدف آنان هیچ‌گاه پیش‌بینی و مهار اشیا نبود بلکه درک معنای وجودی آنها کفایت می‌کرد (یو، ۱۳۸۲، ۲۴). بدین ترتیب می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ارتباط سه‌گانه بین طبیعت، انسان و محیط زیست او در قالب فرهنگ وی و مبتنی بر شناخت و درک معنای وجودی عناصر پیرامونی بوده است.

براساس تعریفی شاعرانه، عناصر اصلی منظر همانا درخت، رود، ابر، کوه و انسان هستند (اسپیرن، ۱۳۸۴، ۱۹۷-۲۱۵). همه این عناصر در نگاهی کلی در تعادلی پویا در طول زمان شکل می‌گیرند و خود سبب تغییر در منظر و به تبع آن منظر فرهنگی می‌گردند. به نظر می‌رسد که این فرایند زمانی به نوبه خود سبب ایجاد شکلی از منظر می‌گردد که به دلیل حضور انسان در آن می‌توان نام منظر فرهنگی را بر آن نهاد. بنابراین در فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی، «بعد زمان» به‌عنوان شاخصی تأثیرگذار مدنظر است و به‌عبارت صریح‌تر موضوع «گذر زمان» در ایجاد - و سپس تقویت - منظر فرهنگی نقش اساسی دارد.

منظر فرهنگی در حقیقت حاصل «فرایندسازی بین طبیعت و فرهنگ انسان» است، به‌گونه‌ای که با آن در تناسباتی متنوع و گوناگون می‌آمیزد (Eckbo, 1969, 3). بنابراین نظریه، نقش ارتباطی بین طبیعت و انسان و محیط زیست او در فرایندی زمانی تعریف‌پذیر و مطالعه‌شدنی است، ضمن آنکه در این توصیف، تناسب و در عین حال تنوع، از ویژگی‌های منظر فرهنگی قلمداد شده است که این به‌نوبه خود تأکیدی است مجدد بر مفهوم فضا در گذر زمان (شکل ۱).

هانزیکر (2000)، به نقل از هویسل و دیگران خاطرنشان می‌سازد که افراد معمولی به منظر فرهنگی سنتی تمایل و رغبت نشان می‌دهند؛ و این بدان خاطر است که آنها با مناظر فرهنگی پیوستگی دارند و به‌وسیله همین مناظر فرهنگی سنتی احراز هویت می‌کنند (Solvia et al., 2008, 56-71). بی‌شک منظر فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد و حاصل برهم‌کنش فعالیت‌های انسانی، فرایندهای طبیعی و تأثیرات محیطی است (Hoisl, 1987; Hunziker, 2000).



شکل ۱. فرایند شکل‌گیری منظر فرهنگی در محیطها و فضاهای روستایی
منبع: نگارنده

توصیفات یاد شده نشان می‌دهند که ارتباط و تعامل بین انسان و طبیعت در سکونتگاه‌های روستایی مبتنی بر معیارهای مشخصی است که فرهنگ نقش بسزایی در شکل‌گیری و تقویت و تثبیت آنها دارد. مجموعه این ارتباطات در اشکال و ابعاد مختلف که نشانگر شکل زندگی، نحوه تأمین معیشت، الگوی بهره‌برداری از محیط پیرامون و نحوه تصرف، تغییر و بهره‌برداری از زمین بر مبنای الگوهای فرهنگی خاص است، منظر فرهنگی نام دارد.

در ادامه با توجه به معیارها و تعاریف ارائه شده، سعی بر آن خواهد بود تا مهم‌ترین ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی در دو روستای ورکانه و شهرستانه در منطقه زاگرس پژوهش و بازشناسی گردد.

مطالعات موردی

دو روستای ورکانه و شهرستانه، در استان همدان و در دامنه رشته‌کوه زاگرس قرار گرفته‌اند. دلیل انتخاب این دو روستا برای انجام مطالعات موردی، وجود مشخصه‌های نسبتاً مشابه با کلیه روستاهای کوهپایه‌ای منطقه زاگرس بوده است (شکل‌های ۲ و ۳). در این مطالعه، در هریک از دو روستا، هشت عامل اصلی تأثیرگذار در شکل‌گیری منظر فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و ارتباط آنها با فرهنگ و مدل زندگی روستاییان بررسی شده است. این عوامل که عبارت‌اند از اقلیم، آب، امنیت، نظام بهره‌برداری از زمین، ریخت‌شناسی (مورفولوژی) روستایی، مشاغل غالب مردم، طبیعت پیرامونی و سنت‌های اجتماعی، در جداول ۱ و ۲ ارائه گشته‌اند.



شکل ۲. موقعیت استان همدان در غرب کشور
منبع: نگارنده با اقتباس از نقشه‌های اولیه سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶.



شکل ۳. موقعیت دو روستای ورکانه و شهرستانه در استان همدان
منبع: نگارنده با اقتباس از نقشه‌های اولیه سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶.

روستای ورکانه

روستای ورکانه در جنوب شرقی شهرستان همدان و در امتداد جاده فرعی منشعب از جاده همدان به ملایر قرار گرفته است (شکل ۴). این روستا به سبب بافت سنگی منحصربه‌فرد آن، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. روستای مذکور همچنین به دلیل تلفیق هنرمندانه خانه‌ها، حیاط‌ها و باغ - خانه‌های سنگی با طبیعت پیرامون، دارای فضاهایی دلنشین و انسان‌مدار است (شکل ۵).



شکل ۴. موقعیت روستای ورکانه، با توجه به راه‌های فرعی و روستایی و منابع طبیعی پیرامون
منبع: نگارنده با اقتباس از نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶.



شکل ۵. تلفیق معماری و طبیعت در روستای ورکانه
منبع: نگارنده

این روستا به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص آن، از دیرباز در انزوا قرار داشته است و تنها راه ارتباطی آن یک راه فرعی روستایی است. این انزوا گرچه محرومیت‌هایی را برای روستا به همراه داشته اما به اعتقاد نگارنده سبب حفظ فرم و فضای روستا به حالت سنتی خود شده است. به طور کلی در روستای ورکانه همچون دیگر روستاهای واقع در منطقه سردسیر زاگرس، به منظور استفاده از انرژی حرارتی ناشی از تابش آفتاب، پوشش سطوح خارجی تیره‌رنگ انتخاب گردیده و بافت روستا به هم فشرده است (قبادیان، ۱۳۸۳؛ عزیزی، ۱۳۷۵، ۲۸) (شکل ۶).

براساس مشاهدات میدانی و بررسی نقشه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای روستای ورکانه در طول دوره‌های مختلف زمانی، می‌توان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در آن را در جدول ۱ طبقه‌بندی کرد و توصیفی کلی از آنها به دست داد (جدول ۱).



شکل ۶. معابر باریک و ساختمان‌های سنگی با سقف مسطح در بافت به هم فشرده روستای ورکانه.
منبع: نگارنده

جدول ۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستای ورکانه

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی	تعبیر موجود در روستای ورکانه
اقلیم	به دلیل قرار گرفتن استان همدان در منطقه کوهستانی و سردسیر، روستای شهرستانه نیز به تبع آن در این ناحیه قرار گرفته است.
ریخت‌شناسی (مورفولوژی) روستایی	به دلایل اقلیمی، روستا به صورت مجتمع و نیمه‌متراکم با ایجاد معابر باریک به شکل اندامواره‌ای (ارگانیک) و بدون نقشه قبلی بر روی ارتفاع قرار گرفته و این ارتفاع به نوبه خود سبب ایجاد شیب‌های شدید در معابر شده است.
طبیعت پیرامونی	تلفیق طبیعت بکر، باغ‌های میوه و اراضی کشاورزی، ویژگی بارز طبیعت روستای ورکانه است.
آب	وجود رودخانه دائمی و چاه‌های عمیق پرآب، تأمین‌کننده آب لازم برای مصارف خانگی و کشاورزی است.
امنیت	به دو دلیل عمده قرار گرفتن در جاده فرعی و نیز اجرای طرح گردشگری روستایی دارای امنیت بالایی است.
نظام بهره‌برداری از زمین	صاحبان املاک و باغ‌ها که برخی‌شان کشاورز و برخی هم باغدار هستند، به کمک کارگران ساکن در روستا از طریق بهره‌برداری از زمین امرار معاش می‌کنند.
مشاغل غالب	کشاورزی، باغداری و دامداری سه شغل عمده در روستای ورکانه هستند.
سنت‌های اجتماعی	سکونت چند خانواده در یک خانه بزرگ مؤثرترین عامل فرهنگی است که به شکل بسیار محسوسی بر شکل خانه‌های روستایی تأثیر گذاشته است.

روستای شهرستانه

روستای شهرستانه در دره‌ای به همین نام واقع است (شکل ۷). دره شهرستانه از زمین‌های آبرفتی حوالی روستای اشتران آغاز می‌شود و در امتداد جاده قدیمی همدان به تویسرکان پس از گذر از چندین سکونتگاه روستایی در بلندترین ارتفاع منطقه به روستای شهرستانه ختم می‌گردد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).



شکل ۷. موقعیت روستای شهرستانه، و راه‌های فرعی و روستایی و منابع طبیعی پیرامون
منبع: نگارنده با اقتباس از نقشه‌های ۱:۵۰۰۰۰ سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶

شیارهای متعددی از دامنه‌های دره شهرستانه به عمق آن کشیده شده‌اند، که هریک دره‌ای سرسبز ایجاد کرده است. در دره شهرستانه، «خرم‌رود» جریان دارد و ارتفاعات بالادست مشرف به انتهای دره از زیستگاه‌های عمده پرنده‌گانی چون کبک محسوب می‌گردد (گروسین، ۱۳۸۳، ۱۲۳) (تصویر ۸). اهالی روستاهای دره شهرستانه عمدتاً به زراعت و باغداری می‌پردازند و خشکبار از جمله فرآورده‌های باغ‌های این دره است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).



شکل ۸. دورنمای منظر متأثر از فرهنگ ساکنان (منظر فرهنگی) در روستای شهرستانه
منبع: نگارنده

از منظر اقلیمی، این روستا در ناحیه کوهستانی و مرتفع قرار گرفته است. به‌طور کلی اقلیم این ناحیه از کشور شامل سرمای شدید در زمستان، دمای معتدل در تابستان، رطوبت کم هوا به‌همراه بارش بسیار زیاد برف در ارتفاعات است. این روستا همانند بسیاری دیگر از روستاهای منطقه زاگرس در دامنه و اواسط کوهپایه استقرار یافته و با مصالح بوم‌آورد احداث شده است (قبادیان، ۱۳۸۲، ۳۶-۳۴؛ پیرنیا، ۱۳۸۳، ۳۱) (شکل ۹). دلایل مختلفی برای این جانمایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها استفاده بهتر از نور خورشید، محافظت در برابر سیلاب‌های ناگهانی و محافظت در برابر بادهای سرد منطقه

زاگرس است. جدول ۲ مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستای شهرستانه و تعابیر مرتبط در این روستا را به نمایش می‌گذارد (جدول ۲).

جدول ۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستای شهرستانه

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی	تعابیر موجود در روستای شهرستانه
اقلیم	به دلیل قرار گرفتن استان همدان در منطقه کوهستانی و سردسیر، روستای شهرستانه نیز به تبع آن در این ناحیه قرار گرفته است.
ریخت‌شناسی (مورفولوژی) روستایی	به دلایل اقلیمی و امنیتی، روستا به صورت مجتمع و متراکم به شکل اندامواره‌ای (ارگانیک) و بدون نقشه قبلی شکل گرفته است.
طبیعت پیرامونی	باغ‌های روستاییان و اراضی کشاورزی که برای تولید و کسب معیشت بلافاصله پس از اتمام دیوار خانه‌های روستا آغاز شده و ساختمان‌های روستا را در آغوش گرفته است.
آب	ایجاد سکونتگاه در کنار رودخانه خرم‌رود، بارزترین تعبیر موجود در این زمینه است که دسترسی به منبع دائمی آب را فراهم ساخته است.
امنیت	امنیت محلی با سه عامل نحوه استقرار روستا، وجود جاده فرعی همدان به تویسرکان و تقویت فرهنگ مردم ساکن در روستا در حد مطلوبی است.
نظام بهره‌برداری از زمین	صاحبان املاک و باغ‌ها که برخی‌شان کشاورزند و برخی باغدار، به کمک کارگران ساکن در روستا، از طریق بهره‌برداری از زمین امرار معاش می‌کنند.
مشاغل غالب	کشاورزی و باغداری دو شغل عمده مردم روستای شهرستانه است.
سنت‌های اجتماعی	توجه به محرمیت، مؤثرترین عامل فرهنگی است که به شکل بسیار محسوسی بر شکل خانه‌های روستایی تأثیر گذاشته است.



شکل ۹. شکل‌گیری منظر روستایی با مصالح بوم‌آورد به عنوان نشانه‌ای از تأثیر فرهنگ بر منظر

منبع: نگارنده

یافته‌های تحقیق

با توجه به توصیفات ارائه‌شده در خصوص عوامل شکل‌دهنده به منظر فرهنگی در دو روستای ورکانه و شهرستانه، در ادامه مهم‌ترین اشتراکات منظر فرهنگی در این دو روستا برشمرده می‌شود و به‌طور مختصر دلایل بروز هر یک بیان می‌گردد. ناگفته پیداست که این اشتراکات را می‌توان تحت عنوان «ویژگی‌های بنیادین منظر فرهنگی» در دو روستای اشاره شده مورد تأکید قرار داد.

استقرار بر دامنه کوه

به‌طور کلی دلیل اصلی استقرار این دو سکونتگاه روستایی در دامنه کوه، گریز از خطر سیلاب در دامنه و همچنین پناه از بادهای سرد در ارتفاعات است. قرار گرفتن خانه‌های روستایی در میانه کوه سبب حفظ ساکنان در برابر دو عامل طبیعی سیل و تندباد می‌گردد. علاوه بر این، قرارگیری خانه‌ها در دامنه کوه این امکان را فراهم می‌سازد تا کشاورزان و باغداران از اراضی مناطق همواره پایین دست برای امور کشاورزی و باغداری بهره‌برداری کنند.

استفاده از مصالح بومی

در هر دو روستای مورد مطالعه، استفاده از سنگ در ساختمان‌سازی و ایجاد استحکامات مورد نیاز به چشم می‌خورد. در این روستاها سنگ به دلیل در دسترس بودن و استحکام بالا - و مهم‌تر از این‌دو، تطابق با اقلیم منطقه - از دیرباز به شدت مورد توجه و نظر سازندگان بناها قرار داشته است. مصالح سنگی سبب هم‌آوایی در سیمای جداره روستا نیز می‌گردد. مورد اخیر سبب ایجاد نوعی هماهنگی بصری در منظر فرهنگی روستا می‌شود و آن را در قالب شکلی واحد و به هم پیوسته در معرض دید ناظران قرار می‌دهد. استفاده از سنگ به‌عنوان ماده‌ای بوم‌آورد، نشانگر نبوغ ساکنان در بهره‌گیری از منابع طبیعی به‌منظور حفظ و ادامه حیات است.

بافت متراکم داخلی

احراز امنیت در برابر اقوام مهاجم و مصونیت در برابر اقلیم سرد و خشک منطقه زاگرس دو عامل اصلی در ایجاد بافت متراکم با عرض معابر بسیار کم در این دو روستاست. بافت متراکم معابر و فضاهای عمومی، چهره‌ای متحد و یک‌پارچه را از این دو روستا به نمایش گذاشته است.

توسعه اندامواره‌ای (ارگانیک)

مدل گسترش کالبدی روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی قبلی برای مدیریت فرم گسترش روستا وجود ندارد، بلکه مدل گسترش تابع نیازهای ساکنان و بر مبنای فرصت‌ها و محدودیت‌های طبیعی تعریف می‌شود. به‌طور مثال، لبه رودخانه، کوه، دشت، مرتع و هر عامل طبیعی دیگری ممکن است سبب محدودیت گسترش روستا گردد. از سوی دیگر، عوامل دیگری چون استحکام خاک می‌تواند سبب تشویق روستاییان به ساخت‌وساز در آن منطقه از زمین روستا گردد.

خودترمیمی

فضاهای پر و خالی روستا بنا به نیاز ساکنان محلی دگرگون گشته و به مناسبت‌های مختلف و در طول زمان دستخوش تغییراتی اندک شده‌اند. این تغییرات همگی با هدف بهبود وضعیت زندگی روستاییان اعمال شده‌اند. کاشت درختان سایه‌انداز در معابر، تخریب دیوارها و ساختمان‌های مزاحم، افزودن بر طبقات ساختمان‌های یک‌طبقه و مواردی از این دست همه مصادیقی بارز از فعل و انفعالاتی هستند که نگارنده این مقاله از آن با عنوان «خودترمیمی» یاد می‌کند. نکته بارز در این مورد آن است که تغییرات اعمال شده به‌دست روستاییان، در برخی موارد منظر فرهنگی روستا را تهدید کرده، و شکل و سیمای روستا و هماهنگی و اتحاد ظاهری و باطنی آن را به مخاطره انداخته است.

اتصال بلافصل با زیستگاه‌های حیات وحش

در هریک از دو مورد مطالعه شده، اهمیت زیستگاه‌های جانوری چشم‌پوشیدنی نیست. ارتباط انسان و حیات وحش در این روستاها حالت مسالمت‌آمیز داشته و به‌وجودآورنده منافی دوگانه برای هر دو طرف بوده است. انسان با شکار پرنده‌گان و بهره‌برداری از حیوانات باربر و اهلی کردن آنها، از منابع آنها بهره‌مند شده و در مقابل به‌دلیل نیاز به این جانداران، از زیستگاه‌های آنان محافظت کرده است.

راه‌های فرعی بین مزارع، اراضی کشاورزی و باغ‌ها

روستاییان به‌منظور دسترسی به مناطق مختلف همچون مزارع، اراضی کشاورزی، باغ‌ها، سکونتگاه‌های روستایی دیگر و همچنین مناطقی خاص از روستای‌شان نظیر گورستان، اقدام به تعریف مسیریابی مشخص کرده‌اند که تمامی این مسیرها با استفاده از خطوط منحنی و بدون هیچ‌گونه نظم نقوشی را بر روی زمین آفریده‌اند که به منظر فرهنگی در دل طبیعت بکر هویتی انسانی می‌بخشد. این مسیرها جای پای انسان را در محیط طبیعی نشان می‌دهد و یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های منظر فرهنگی در این دو روستاست.

تولیدگرایی

تولید محصول بارزترین شاخصه‌ای است که در منظر دوردست این دو روستا می‌توان آن را مشاهده کرد. وجود باغ‌های میوه و اراضی وسیع کشاورزی و همچنین همجواری این فضاها با سکونتگاه‌های روستایی، دلیلی قاطع بر این ادعاست. به‌طور کلی باغ‌سازی و مدیریت منظر کشاورزی در روستاهای ورکانه و شهرستانه، نه برای تزئین و تفریح بلکه برای کسب معیشت و درآمد، به‌صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب می‌توان این‌گونه بیان داشت که در سکونتگاه‌های روستایی مذکور، فضای سبز پیرامونی نقشی تعیین‌کننده در کسب معیشت مردم دارد و مردم به‌دلیل رفع نیازهای مادی خود به این فضاها وابسته‌اند. این وابستگی مادی در طول زمان به‌وجود آورنده نوعی حس تعلق به زمین بوده که جنبه‌ای کاملاً غیرمادی نیز به خود گرفته است.

پوشش محلی ساکنان

همان‌گونه که بسیاری از پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی معاصر معتقدند، نحوه لباس پوشیدن افراد و آگاهی آنان به نقش متغیر لباس‌های‌شان با توجه به پس‌زمینه، پدیده‌ای است که معنایی خاص به فضا می‌بخشد (بیکن، ۱۳۸۶، ۶۴). در روستاهای ورکانه و شهرستانه، ساکنان نسل قدیم به میزان بیشتر و جوانان به میزان کمتری از لباس‌های محلی استفاده می‌کنند. در بین نسل جوان روستایی نیز میزان استفاده زنان از لباس‌های سنتی روستایی نسبت به مردان همسال خود بیشتر است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظری اجمالی به یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که منظر فرهنگی در دو روستای ورکانه و شهرستانه به‌عنوان دو شاخص مطالعاتی برای روستاهای کوهپایه‌ای در منطقه زاگرس با تأکید بر استان همدان به‌شدت مفهوم عملکردگرایی را یادآور می‌گردد و نشان‌دهنده این حقیقت است که در منظر فرهنگی روستاهای یادشده، فرم از عملکرد پیروی می‌کند. «پیروی فرم از عملکرد» در منظر فرهنگی این دو روستا نشان می‌دهد که فرهنگ ساکنان در این دو منطقه در طول تاریخ معطوف به عملکردگرایی بوده و این خود به مرور زمان بر منظر این دو روستا تأثیر نهاده است.

احداث راه‌های فرعی با استفاده از خطوط منحنی، وجود باغ‌های میوه در ارتباطی معنادار با خانه‌ها، تقسیم اراضی کشاورزی با فرم‌های هندسی منظم، استقرار سکونتگاه‌ها به‌صورت متراکم و فشرده در کنار منابع آب به‌ویژه رودخانه‌های دائمی، وجود چراگاه‌ها و مراتع وسیع در نزدیکی سکونتگاه‌ها، قرارگیری سکونتگاه در ارتفاعی مناسب برای مصونیت از خطرهای ناشی از سیلاب و همچنین دوری از بادهای سرد، استفاده از مصالح سنگی در خانه‌سازی، استفاده از لباس‌های محلی، توجه به امر تولید در کشاورزی، همجواری معنادار عناصری همچون خانه، مزرعه، باغ و زمین کشاورزی با هم و ارتباط تنگاتنگ عناصر طبیعی و انسان‌ساخت، عمده‌ترین عواملی هستند که منظر فرهنگی کلیه روستاهای کوهپایه‌ای با فرم کلی دو روستای ورکانه و شهرستانه را در امتداد کوهستان تاریخی زاگرس تعریف می‌کنند.

مطالعه صورت گرفته در این دو روستا نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی روستایی در منطقه زاگرس دارای ابعاد مختلف کالبدی، زیست‌شناختی (بیولوژیک) و فرهنگی - اجتماعی است. چنین تعبیری روشن می‌سازد که نقش انسان در شکل‌دهی به محیط زیست خود، و چگونگی برقرار ساختن ارتباط بین سکونتگاه‌ها با طبیعت و نحوه بهره‌مندی از مواهب و ثروت‌های طبیعی در مناطق همجوار با سکونتگاه‌ها، مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به منظر فرهنگی و مشخصات ممتاز آن در هر ناحیه خاص و تمایز آن با دیگر نواحی به‌شمار می‌آید. قدر مسلم آن است که انجام مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با منظر فرهنگی در این منطقه، با توجه به کلیه ابعاد کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، راهگشای روند انجام هرچه بهتر پروژه‌های عملیاتی و اجرایی در روستاها به‌منظور باززنده‌سازی و بازساخت آنها با تأکید بر کلیه ابعاد و شاخصه‌های مؤثر بر شکل‌گیری منظر روستایی خواهد بود. بی‌شک چنین اقداماتی سبب کاهش تخریب بافت اصیل روستایی و جلوگیری از تغییر در سیمای کلی روستاهای کشور به‌هنگام مرمت و باززنده‌سازی بافت آنها و همچنین تقویت فرهنگ محلی بومیان و روح‌بخشی به آن خواهد شد.

منابع

- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۴، اصول ایمنی و مقابله با حوادث پیش‌بینی نشده در مناطق روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- اسپیرن، آن ویستون، ۱۳۸۴، زبان منظر، ترجمه سیدحسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، دانشگاه تهران، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، گزارش عملکرد سالانه سازمان، سازمان مسکن انقلاب اسلامی استان همدان، همدان.
- بیکن، ادموند، ۱۳۸۶، طراحی شهرها: تحول شکل شهر از آتن باستانی تا برازیلیای مدرن، ترجمه فرزانه طاهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۸۳، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین: غلامحسین معاریان، نشر معمار، تهران.
- حجت، عیسی، ۱۳۸۵، تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۸۴-۷۵.
- سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶، نقشه ۱:۵۰۰۰۰ روستای شهرستان، سازمان نقشه‌برداری کشور.
- سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۶، نقشه ۱:۵۰۰۰۰ روستای ورکانه، سازمان نقشه‌برداری کشور.
- عزیزی، سوزان، ۱۳۷۵، تیپولوژی خانه‌های روستایی با توجه به اقلیم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- قادری، زاهد، ۱۳۸۳، اصول برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری روستایی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- قبادیان وحید، ۱۳۸۲، بررسی اقلیم ابنیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- گروسین، هادی، ۱۳۸۳، جغرافیای تاریخی و زیستگاه‌های دره‌ای الوند، شهر اندیشه، همدان.
- وثوقی، منصور، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، تهران.
- وثوقی، منصور، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- یو، هان، ۱۳۸۲، الگوی بوم‌شناختی در معماری، ترجمه لیلا حکیمی‌زاده و ناهید سرفراز، فصلنامه ما، ۱۴، ۳۷-۲۹.
- Eckbo, G., 1969, **The Landscape We See**, McGRAW-HILL BOOK COMPANY, New York.
- Hoisl, R., Nohl, W., Zekorn, S., Zö lner, G., 1987, **Landschaftsä sthetik in der Flurbereinigung**, Empirische Grundlagen zum Erlebnis der Agrarlandschaft. Materialien zur Flurbereinigung, Heft 11. Bayrisches Staatsministerium für Ernährung, Landwirtschaft und Forsten, München.
- Hunziker, M., 2000, **Einstellungen der Bevölkerung zu mö glichen Landschaftsentwicklungen in den Alpen**, Eidgenössische Forschungsanstalt WSL, Birmensdorf, Switzerland.
- Soliva, R., et al., 2008, **Envisioning upland futures: Stakeholder responses to scenarios for Europe's mountain landscapes**, Journal of Rural Studies 24, 68, 56-71.